

ادبیات ایران در دوره قاجار

مهوش واحد دوست، تهران: سروش، ۱۳۹۶ (چاپ اول)، تعداد صفحه ۱۲۰۰،

سید مهدی زرقانی^۱

مهوش واحد دوست - عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه - این کتاب را در بیش از ۱۲۰۰ صفحه منتشر کرده و از آنجا که در عنوان فرعی از کلمه «نثر» استفاده کرده، می‌توان حدس زد کتابی با همین حدود هم درباره شعر دوره قاجار منتشر خواهند کرد. ادبیات دوره قاجار به واسطه برخی ذهنیت‌های نادرست در دهه‌های اخیر به حاشیه رانده شده‌است. منتقدان و مورخان ادبی غالباً ادبیات قاجار را در شعر بازگشت خلاصه می‌کنند و چون شعر بازگشت ارتجاعی و تکراری است، کل ادبیات قاجار با این صفت توصیف می‌شود. حال آنکه نقطه عطف ادبیات قاجار نه شعر بلکه نثر است و بسیاری از نوآوری‌ها و تحولات نثری عصر جدید هم عملاً ریشه در ادبیات دوره قاجار دارد. مضافاً اینکه حتی شعر بازگشت نیز به بررسی انتقادی دقیق‌تری نیاز دارد و نمی‌توان همه آن را صرفاً با اتهام ثابت‌شده ارتجاعی بودن به حاشیه راند. نویسندگانی مثل مهوش واحد دوست متوجه این نکته شده‌اند و درست بدین علت تمرکزشان بر نثر بیشتر از شعر است. کتاب واحد دوست از این جهت که دوره‌ای به حاشیه رانده شده را به مرکز توجه ما می‌آورد بسیار ارزشمند است. ژانرهایی مثل نمایشنامه، مطبوعات، عهدنامه، منشآت، ترجمه که نقاط برجسته ادبیات قاجاری را تشکیل می‌دهند، مورد توجه دپارتمان‌های ادبی قرار نگرفته بود و ارزش کتاب مورد بحث به این است که نمونه‌های بسیار زیادی از این ژانرها را پیش روی خواننده قرار می‌دهد گویا نویسنده به این نتیجه رسیده که آن قدر نمونه و شاهد مثال بیاورد که خواننده متقاعد شود دست کم یکبار دیگر با تأمل بیشتر به ادبیات قاجاری بنگرد. اگر هدف نویسنده از حجیم کردن کتاب با استفاده از نمونه‌های همین بوده باشد، باید بگوییم به هدف خویش دست یافته‌است.

همین گرایش به آوردن نمونه‌های فراوان پاشنه آشیل کتاب هم هست و برای نقد باید از همین پنجره وارد شد. در واقع، توجه زیاد نویسنده بر نمونه‌ها سبب شده جنبه تحقیقی و پژوهشی کتاب به شدت تحت تأثیر قرار گیرد و کتاب عملاً به گزیده‌ای از ژانرهای مختلف دوره قاجاری با توضیحات اندکی در مقدمه تبدیل شود. این عمده‌ترین ایرادی است که می‌توان بر ساختار کتاب گرفت. کتاب در سه بخش و مجموعاً بیست فصل تدوین شده‌است. نویسنده اشاره‌ای به ژانر نکرده اما مبنای فصل‌بندی کتاب ژانرها هستند. در بخش نخست، به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره قاجار می‌پردازد. هم این فصل و هم فصل بعدی که مشخصاً توجه نویسنده معطوف به سلسله قاجاری است، مطلب

^۱ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد. irzarghani@yahoo.com

تازه‌ای ندارد، مضافاً اینکه نویسنده به منابع معتبری برای معرفی قاجاریه مراجعه نکرده است؛ مثلاً نامی از قاجارپژوهانی مثل هما ناطق، فریدون آدمیت، عباس امانت یا آثار ترجمه شده ویلم فلور نیست و به جای آن از نویسندگانی مانند ذاکر حسین (۳۱)، قاضی مرادی (۲۹)، شمیم (۷۵) و سعید نفیسی (۳۲) نقل قول شده که ممکن است حرف‌هایی برای گفتن داشته باشند اما قابل مقایسه با نویسندگان گروه اول نیستند. یکی دو مورد نیز ارجاع نویسنده به احمد کسروی است که البته منبع قابل اعتمادی برای تاریخ دوره قاجاری است. خواننده در این بخش به نتیجه تحقیقی تازه‌ای درباره دوره قاجار نمی‌رسد یا دیدگاه نوینی یا مبنای نظری تازه‌ای برای مواجهه با تاریخ نمی‌بیند. نوع نگاه نویسنده در این دو بخش سنتی و به همان شیوه‌ای است که در کتاب‌هایی مثل *تاریخ ادبیات در ایران*، اثر مرحوم صفا، می‌بینیم. در فصل چهارم، پنجم و ششم هم که نویسنده به سراغ مباحث تخصصی‌تری مثل «روند نثر فارسی در دوره قاجار» یا «دارالفنون و نقش آن در تحول ادب فارسی» و «انقلاب مشروطه و تأثیر آن بر نثر فارسی» رفته، باز مطالب همان‌هاست که در منابع پیشین آمده و از دیدگاه یا نکته تازه‌ای خبری نیست.

کتاب از بخش سوم، وارد موضوع اصلی خودش می‌شود که بررسی ژانرهای مثنوی دوره قاجار است. فصل نخست با «عهدنامه‌ها و قراردادهای» شروع می‌شود که انتخاب خوب و مناسبی است چون نویسنده به سراغ ژانری رفته که مورخان ادبی کمتر بدان توجه کرده و آن را از گروه آثار غیر ادبی به‌شمار می‌آورند منتها ایراد این فصل که در دیگر فصل‌های کتاب هم عیناً تکرار می‌شود، تکیه بیش از حد نویسنده بر شواهد و نمونه‌هاست به طوری که فصل‌ها فاقد تحلیل انتقادی است.

ایراد دیگر کتاب در هم‌پوشانی فصل‌ها و عدم دقت نویسنده در مرزبندی میان ژانرهاست؛ مثلاً در حالی که فصل نهم به نامه‌نگاری اختصاص یافته، فصل دهم شامل «منشآت و مقامه» می‌شود. با عنایت به اینکه در طبقه‌بندی‌های سنتی نامه‌ها جزئی از منشآت بوده‌اند، معلوم نیست چرا منشآت و مقامه در یک فصل با هم آمده‌اند و مناسبت این دو با هم و نیز تفاوت منشآت با نامه‌ها چیست. آیا بهتر نبود، فصل مقامه جدا بیاید و فصل منشآت و نامه‌ها با هم؟ یا فصل یازدهم کتاب به ژانرهای مطبوعاتی اختصاص یافته و بعد در فصل دوازدهم با عنوان روزنامه‌های طنزنویس مواجه می‌شویم که می‌توانست در همان فصل روزنامه‌ها بیاید، از دیگر سو در فصل چهاردهم به «خاطرات و روزنامه خاطرات» برمی‌خوریم که با فصل دوازدهم، که یکسره به مطبوعات می‌پردازد، هم‌پوشانی دارد یا در فصل مربوط به ترجمه‌ها یک بحث مهم، نمایشنامه‌هایی است که به فارسی برگردانده شده‌اند، در حالی که نویسنده فصلی را به نمایشنامه‌ها اختصاص داده و جای طرح این سؤال باقی است که چرا این‌ها در فصل نمایشنامه مطرح نشده‌است؟

فقدان پیشینه پژوهش ایراد جدی دیگر کتاب است. این کتاب آموزشی نیست تا بتوان گفت حاصل جمع نظرات محققان مختلف درباره یک موضوع گردآوری شده و نویسنده دعوی پژوهش و تحقیق ندارد بنابراین در استفاده از نظرات دیگران ابتدا باید نویسنده با بررسی پیشینه تحقیق بداند که تا کجای تحقیق را دیگران انجام داده‌اند. بی‌توجهی به پیشینه تحقیق سبب شده که نویسنده از بسیاری دیدگاه‌های جدید که می‌توانست مسیر کتاب را تغییر دهد، بی‌خبر بماند.

زبان کتاب هم زبانی متعارف و معمولی است که گرچه سالم و ساده است اما خصلت گزارش‌گونه آن به علاوه خود موضوع تاریخ ادبیات، جاذبه سبک نوشتار را کاسته و حجم زیاد هم مضاف بر علت می‌شود که خواننده گریزپای امروزی به خواندن کتاب رغبتی از خود نشان ندهد. طراحی جلد، صفحه‌آرایی و فونت کتاب مناسب است. نمایه‌ای هم در پایان کتاب آمده که دسترسی به برخی موضوعات را برای محققان راحت‌تر می‌کند.